

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ورود به عرصه جهان

کشورهای بالنده، راهبردهای قدرت نرم و ابرویدادهای ورزشی

نویسندگان:

جانانان گریکس

پل مایکل برانگن

دانالی

مترجمان:

احسان امینی باغبادرانی

محمد امین قاسمی پیربلوطی

با مقدمه:

دکتر حسام الدین آشنا

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: ورود به عرصه جهانی: کشورهای بالنده، راهبردهای قدرت نرم و ابرویدادهای ورزشی
مؤلف: جاناتان گریکس، پل مایکل برانگن و دانا لی
مترجمان: احسان امینی باغبادرانی و محمدامین قاسمی پیربلوطی
مقدمه نویسنده: دکتر حسام الدین آشنا
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آرا: محمد روشنی
طراح جلد: محمدرضا مهدیانی
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دنیا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان / چاپ اول: ۱۴۰۱
قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال / شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۷-۵

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخرزایی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳. تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: گریکس، جاناتان، ۱۹۶۴ - م.
عنوان و نام پدیدآور: ورود به عرصه جهانی: کشورهای بالنده، راهبردهای قدرت نرم و ابرویدادهای ورزشی / نویسندگان جاناتان گریکس، پل مایکل برانگن، دانا لی؛ مترجمان احسان امینی باغبادرانی، محمدامین قاسمی پیربلوطی؛ با مقدمه حسام الدین آشنا.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۰۲ص / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۷-۵
عنوان اصلی: Entering the Global Arena: Emerging States, Soft Power Strategies and Sports Mega-Events, 2019
موضوع: ورزش - مدیریت / قدرت (علوم اجتماعی) / رویدادهای خاص - مدیریت / مسابقه های دوره ای ورزشی - مدیریت
شناسه افزوده: برانگن، پل مایکل / شناسه افزوده: لی، دانا
شناسه افزوده: امینی باغبادرانی، احسان، ۱۳۷۶ - مترجم
شناسه افزوده: قاسمی پیربلوطی، محمدامین، ۱۳۷۷ - مترجم
رده بندی کنگره: G ۷۷۱۳ / رده بندی دیویی: ۷۹۶/۰۶۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۳۴۲۸۱

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

۱۱.....	سپاسگزاری
۱۳.....	مقدمه دکتر حسام‌الدین آشنا
۱۹.....	پیشگفتار
۲۱.....	فصل ۱: دیباچه
۳۳.....	فصل ۲: کشورهای بالنده و موازنه در حال تغییر قدرت جهانی
۵۳.....	فصل ۳: ابررویدادهای ورزشی و مفهوم قدرت نرم
۷۵.....	فصل ۴: وضعیت میزبانی دوگانه برزیل
۹۷.....	فصل ۵: راهبرد منحصربه‌فرد قدرت نرم روسیه
۱۲۱.....	فصل ۶: جشن معارفه چین؟ المپیک ۲۰۰۸ پکن
۱۴۳.....	فصل ۷: آفریقای جنوبی و جام جهانی ۲۰۱۰ فیفا
۱۶۵.....	فصل ۸: راهبرد ورزشی جهانی قطر: قدرت نرم و جام جهانی ۲۰۲۲
۱۸۷.....	فصل ۹: نتیجه‌گیری
۱۹۹.....	نمایه

فهرست تفصیلی

۱۱.....	سیاسگزاری
۱۳.....	مقدمه دکتر حسام‌الدین آشنا
۱۸.....	منابع
۱۹.....	پیشگفتار
۲۱.....	فصل ۱: دیباچه
۲۹.....	منابع
۳۳.....	فصل ۲: کشورهای بالنده و موازنه در حال تغییر قدرت جهانی
۳۵.....	پیشرفت اقتصادی قدرت‌های بالنده
۳۷.....	بریکس؛ واقعیت یا توهم؟
۴۵.....	قدرت‌های بالنده؛ بی‌نظمی بین‌المللی در حال ظهور؟
۴۷.....	ملاحظات نهایی
۴۹.....	منابع
۵۳.....	فصل ۳: ابررویدادهای ورزشی و مفهوم قدرت نرم
۵۷.....	قدرت نرم و ابررویدادهای ورزشی
۵۹.....	فهم «قدرت نرم»
۷۲.....	منابع
۷۵.....	فصل ۴: وضعیت میزبانی دوگانه برزیل
۷۶.....	داده‌های اجتماعی-اقتصادی برزیل
۷۸.....	برزیل و ورزش
۸۰.....	تمرکز خارجی

۸۲.....	تمرکز داخلی
۸۵.....	برزیل و ابرویدادهای ورزشی
۹۱.....	ملاحظات نهایی
۹۳.....	منابع
۹۷.....	فصل ۵: راهبرد منحصر به فرد قدرت نرم روسیه
۹۸.....	داده‌های اجتماعی-اقتصادی روسیه
۱۰۱.....	روسیه و ورزش
۱۰۶.....	دوگانه روسیه: المپیک زمستانی ۲۰۱۴ سوچی و جام جهانی ۲۰۱۸ فیفا
۱۱۶.....	ملاحظات نهایی
۱۱۷.....	منابع
۱۲۱.....	فصل ۶: جشن معارفه چین؟ المپیک ۲۰۰۸ پکن
۱۲۲.....	داده‌های اقتصادی-اجتماعی چین
۱۲۴.....	چین و ورزش
۱۲۸.....	پکن ۲۰۰۸: جشن معارفه چین؟
۱۳۷.....	ملاحظات نهایی
۱۳۸.....	منابع
۱۴۳.....	فصل ۷: آفریقای جنوبی و جام جهانی ۲۰۱۰ فیفا
۱۴۴.....	آفریقای جنوبی: اقتصاد، جامعه، سیاست
۱۴۹.....	آفریقای جنوبی و ورزش
۱۵۱.....	مسابقات جام جهانی ۲۰۱۰ فیفا
۱۵۹.....	ملاحظات نهایی
۱۶۱.....	منابع
۱۶۵.....	فصل ۸: راهبرد ورزشی جهانی قطر: قدرت نرم و جام جهانی ۲۰۲۲
۱۶۶.....	دولت قطر: پیشینه
۱۷۰.....	راهبرد بین‌المللی قطر از طریق ورزش جهانی
۱۸۱.....	ملاحظات نهایی
۱۸۳.....	منابع
۱۸۷.....	فصل ۹: نتیجه‌گیری

منابع.....	۱۹۸
نمایه.....	۱۹۹

فهرست جداول

جدول ۴٫۱. درخواست‌های اصلی ابرویدادهای ورزشی برزیل، ۱۹۳۶ تا ۲۰۱۶.....	۸۶
جدول ۵٫۱. درخواست‌های کلیدی برای میزبانی ابرویدادهای ورزشی از طرف اتحاد جماهیر شوروی و روسیه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸.....	۱۰۴
جدول ۶٫۱. درخواست‌ها و میزبانی‌های ابرویدادهای ورزشی در چین، ۱۹۹۰-۲۲-۲۰۱۲.....	۱۲۷
جدول ۷٫۱. تلاش‌های آفریقای جنوبی برای دستیابی و برگزاری رویدادهای مهم.....	۱۵۰
جدول ۸٫۱. ابرویدادهای ورزشی میزبانی‌شده در قطر از ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۲.....	۱۷۱
جدول ۹٫۱. هزینه‌های تخمینی و واقعی ابرویدادهای ورزشی.....	۱۹۰

فهرست شکل‌ها

شکل ۳٫۱. منابع راهبردی قدرت نرم.....	۶۷
شکل ۴٫۱. بسته قدرت نرم برزیل.....	۸۸
شکل ۵٫۱. بسته قدرت نرم روسیه.....	۱۰۹
شکل ۶٫۱. بسته قدرت نرم چین.....	۱۳۲
شکل ۷٫۱. بسته قدرت نرم آفریقای جنوبی.....	۱۵۲
شکل ۸٫۱. بسته قدرت نرم قطر.....	۱۷۳
شکل ۹٫۱. جستجوی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی قدرت نرم.....	۱۹۳

سپاسگزاری



در جهان کنونی و درزمینه تحولات پرشتاب عرصه بین‌الملل، کشورهای گوناگون در تکاپوی رقابت جویانه‌ای برای کسب جایگاهی مؤثر و پرنفوذ در معادلات منطقه‌ای و جهانی‌اند. ابررویدهای ورزشی از جمله آوردگاه‌هایی هستند که در سال‌های اخیر توجه قدرت‌های نوظهور و کشورهای بالنده را به خود جلب کرده و همچون سکوی پرتاب، ظرفیت‌ها و فرصت‌های پرشماری را برای ارتقای وضعیت ملت میزبان در ابعاد و حوزه‌های مختلف فراهم آورده‌اند. درواقع، فرایند میزبانی و برگزاری یک ابررویدهای ورزشی به‌طور عمده عرصه‌هایی چون روابط فرهنگی، تعاملات گردشگری، راهبردهای برندسازی ملی، کنش‌های دیپلماتیک و تبادلات تجاری را تحت تأثیر قرار داده و در صورت توفیق، مسیر رشد و پیشرفت کشور میزبان را هموارتر می‌سازد.

واکاوی ابررویدهای ورزشی از منظر قدرت نرم و پژوهش در این حوزه، سابقه چندانی نداشته و خلأ متون علمی روزآمد به زبان فارسی به شدت حس می‌شود. چنین شرایطی مترجمان این اثر را بر آن داشت تا بر پایه مطالعات خود در حوزه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و نیز تشخیص کاستی‌های موجود در شناخت چهارچوب‌های نظری و تجربه‌های جهانی این عرصه کلیدی و راهبردی، اقدام به ترجمه کتاب حاضر کنند.

بر خود لازم می‌دانیم ضمن دعوت از خوانندگان گرامی برای ارسال نکات گران قدرشان پیرامون این اثر، از پشتیبانی‌ها و دلگرمی‌های همیشگی

خانواده‌های عزیزمان، راهبری‌ها و رهنمودهای دقیق و استادانه دکتر حسام‌الدین آشنا و همراهی‌های استادان و مسئولان دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) که در پدیدآوردن اثر حاضر با ما سهیم بوده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشیم.

احسان امینی باغبادرانی^۱
محمد امین قاسمی پیربلوطی^۲

مقدمه دکتر حسام‌الدین آشنا



تبدیل «مسابقات ورزشی» به «رویدادهای ورزشی» مهم‌ترین تحول مفهومی در تاریخ مطالعات مدیریت ورزشی است؛ چراکه این امکان را فراهم آورد تا این مسابقات در یک زمینه مطالعاتی بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد (جلالی فراهانی و علیدوست قهفرخی، ۱۳۹۱). از منظر دانش‌شناسی می‌توان مطالعه رویدادهای ورزشی را در کنار رویدادهای فرهنگی، هنری، علمی، تفریحی، سیاسی، بازرگانی و تجاری زیربخشی از «مطالعات رویدادهای برنامه‌ریزی شده» دانست. این حوزه بین رشته‌ای، میان رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی زیست‌محیطی، فلسفه، مطالعات دین‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، حقوق، تاریخ، جغرافیای انسانی و آینده‌پژوهی قرار گرفته است و در نگاهی نزدیک‌تر سیاست‌گذاری عمومی، روابط و ارتباطات بین‌الملل و مدیریت رویداد، مؤلفه‌های کلیدی این حوزه مطالعاتی را تشکیل می‌دهند (گریکس^۱، ۲۰۱۴).

سیاست‌گذاری عمومی یک الگوی فعالیت دولتی در مواجهه با موضوعات و مسائلی است که از اقتدار مشروع در یک نظام سیاسی منتج می‌شود و در سطوح مختلف بر حیات عموم مردم تأثیر می‌گذارد. درک اهمیت، پیشنهاد، تصویب و برگزار کردن مسابقات ورزشی بین‌المللی در نظام‌های مردم‌سالار و

1. Grix

قانون مدار مستلزم فرآیند شکل‌گیری اراده مشترک دولت و مجلس و اقناع افکار عمومی در فرایندی طولانی و پیچیده، شامل طرح مسئله در سطح عمومی، شکل‌گیری دستور کار سیاستی و جلب توجه جدی دولت، صورت‌بندی و پذیرش سیاستی، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست است (اندرسون، ۱۳۸۵). در نظام‌های فردمحور و اقتدارگرا این فرآیند کوتاه‌تر و سریع‌تر شکل می‌گیرد و معطوف به اراده فردی رهبری کشور و تبعیت نظام اداری و مالی برای برگزاری چنین رویدادی است.

از دیدگاه روابط بین‌الملل و به تبع آن ارتباطات بین‌الملل، دیپلماسی ورزشی زیرمجموعه دیپلماسی عمومی چندجانبه است و برای بهبود روابط میان‌مدت و بلندمدت بین دولت‌ها از طریق تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارج از کشور برای تحقق اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایج‌ترین اهداف دیپلماسی ورزشی عبارت‌اند از فراهم کردن زمینه و مکان غیررسمی برای دیدار رهبران بین‌المللی و آغاز گفتگو، پل زدن بر تفاوت‌های فرهنگی و زبانی بین ملت‌ها و جستجوی زمینه‌های مشترک از طریق ورزش، ایجاد بستری برای موافقت‌نامه‌ها یا قوانین تجاری جدید، تقویت روابط بین‌المللی از طریق سفیران ورزش، اصلاح نگرش، ایجاد میراث و بهبود وجهه برای کشور میزبان در سطح جهانی و استفاده از ورزش برای مشروعیت بخشیدن به یک ملت بالنده (ترانکس^۱، ۲۰۱۷). ماهیت ورزش یعنی تلاش انسانی برای برتری در رقابت و معانی نمادین برد و باخت حامل پیام‌های سیاسی مهمی است؛ اگرچه کسی نمی‌تواند مدعی شود رقابت در میدان ورزش واقعاً می‌تواند جایگزین رقابت در میدان جنگ شود ولی مسابقات جهانی در طول تاریخ، به خصوص در جریان جنگ سرد، جایگاه خود را به عنوان پیشرانی مؤثر در صلح جهانی تثبیت کرده است. ورزش ابررسانه‌ای قدرتمند برای گسترش اطلاعات، شهرت و ارتباطات بین‌المللی به عنوان کارکردهای اصلی دیپلماسی عمومی است؛ چرا که اندازه مخاطبان جهانی و میزان علاقه مخاطبان به ورزش از هر

1. Trunkos

موضوع دیگری از جمله اخبار سیاسی و فیلم‌ها بیشتر است. جنبه‌های پیرامونی رقابت‌های ورزشی نیز نقش مهمی در دیپلماسی عمومی ایفا می‌کند. هر ابرویداد ورزشی یک جامعه فراملیتی از نخبگان ورزشی (شامل ورزشکاران، سیاستگذاران، دست‌اندرکاران و حامیان) سراسر جهان را گرد هم می‌آورد. برگزاری و نمایش موفق ابرویدادهای ورزشی، کارآمدی دولت و میهمان‌نوازی مردم کشور میزبان را به نمایش می‌گذارد و می‌تواند برندسازی مثبت را در سطح جهانی به ارمغان آورد؛ در مقابل، شکست در برگزاری یک ابرویداد ورزشی می‌تواند تا سالیانی دراز موجب سرافکنندگی جهانی کشور میزبان شود (کمیسون اروپا، ۲۰۱۸).

یکی از مهم‌ترین مباحث در رشته مدیریت ورزشی، مدیریت رویدادهای ورزشی است. مدیریت رویدادها شامل مباحث مهمی چون رهبری؛ شامل فرهنگ سازمانی، رفتار درون و بین‌سازمانی؛ شامل ساختار سازمانی، هماهنگی و مدیریت ذی‌نفعان، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی؛ شامل برنامه‌ریزی راهبردی، پروژه و تجاری، عملیات و آمادگی؛ شامل مدیریت کیفیت خدمات، منابع انسانی؛ شامل مدیریت داوطلبان، مدیریت مالی و کنترل؛ شامل مدیریت حمایت مالی و سرمایه‌گذاری، بازاریابی و ارتباطات، خطرپذیری، بهداشت و ایمنی، پژوهش، ارزیابی و سیستم‌های اطلاعاتی است (گتزر^۳، ۲۰۱۳).

کتاب «ورود به عرصه جهانی؛ کشورهای بالنده، راهبردهای قدرت نرم و ابرویدادهای ورزشی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه کشورهای با قدرت کم یا متوسط تلاش می‌کنند تا قدرت نرم و در نتیجه سرجمع قدرت ملی خود را از طریق برگزاری موفق رویدادهای ورزشی بین‌المللی، ارتقا دهند تا بتوانند وارد سطح بالاتری از تعاملات در عرصه جهانی شوند. در یک کلام، این کتاب برای پاسخ به این پرسش نوشته شده است که «چگونه می‌توان میزبان بازی‌های بزرگ و میهمان بازی بزرگان شد؟»

1. European Commission
2. logistic
3. Getz

این اثر، یکی از مؤثرترین نوشته‌های اخیر درباره سیاست‌های ابررویدهای ورزشی و تأثیری است که چنین رویدادهایی بر کشورهای میزبان و وضعیتشان در سیاست‌های بین‌المللی دارد. دقت در فهرست منابع و فصل‌بندی نشان می‌دهد که مؤلفان با بررسی آثار قبلی و موردپژوهی‌های متعدد توانسته‌اند حدود و ثغور کار علمی خود را در میان سایر مطالعات منتشر شده تعیین کنند. آن‌ها به موردپژوهی برگزاری مسابقات جام جهانی و المپیک در چهار کشور عضو بریکس (برزیل، روسیه، چین، آفریقای جنوبی) و قطر پرداخته‌اند. توجه به کشورهای غیرغربی و درحال توسعه و چهارچوب مشترک برای بررسی سیاست‌ها، اقدامات، ضعف‌ها و قوت‌ها و ارزیابی آثار برگزاری ابررویدهای ورزشی و ساختار آموزشی از ویژگی‌های مثبت این کتاب است.

سه نویسنده کتاب دارای سوابق مشترکی در دانشگاه‌های بیرمنگام و متروپولیتن منچستر هستند؛ جانانان گریکس یک متخصص برجسته در زمینه سیاست ورزشی با تخصص خاص در رویدادهای بزرگ ورزشی و قدرت نرم است. از وی ۷ تک‌نگاری، ۸ کتاب ویرایش شده و ۵ شماره ویژه از مجلات برجسته منتشر شده است. علاوه بر این، او بیش از ۶۰ مقاله و فصل‌های متعدد از کتاب‌های تخصصی را منتشر کرده است. گریکس در سال ۲۰۲۲ پروژه‌ای را بر اساس مطالعه تاریخچه زندگی المپیک‌های بریتانیا هدایت می‌کند.

پل مایکل برانگن، یک محقق روابط بین‌الملل است که در مطالعه ورزش تخصص دارد. تحقیقات او در درجه اول بر نقش و استفاده از رویدادهای بزرگ ورزشی توسط دولت‌های ملی برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و/یا فرهنگی خاص متمرکز است. تحقیقات او به‌طور خاص بر ورزش در خاورمیانه و به‌ویژه به برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ و نقش مهم آن در تلاش قطر برای قرارداد خود در نقشه جهانی، ارتقای دستاوردهای گسترده‌تر این کشور و در نهایت به دست آوردن اشکال «قدرت نرم» و نفوذ از طریق جذب بازی‌ها تأکید دارد.

تحقیقات برانگن در مجلات برجسته علوم سیاسی و مطالعات ورزشی، از جمله مطالعات اوقات فراغت، جامعه جهانی، دیپلماسی و امور خارجه و امور

بین‌الملل منتشر شده است. او نویسنده «قطر و جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲: سیاست، جنجال، تغییر» (انتشارات پالگریو^۱، ۲۰۲۲) و ویراستار مشترک «راهنمای ورزش در خاورمیانه» (انتشارات راتلیج^۲، ۲۰۲۲) است.

خانم دانالی یک اقتصاددان سیاسی و نویسنده پنج کتاب و بیش از ۳۰ مقاله است که توسعه اقتصادی، مذاکرات اقتصادی و نظریه انتقادی را پوشش می‌دهد. او در حال حاضر مدیر مرکز تحقیقات اقتصادهای آینده است و گروه بزرگی را رهبری می‌کند که در حال توسعه تحقیقات سیاست محور جدید بر روی طیفی از موضوعات از جمله اقتصاد رفتاری و حکمرانی، اقتصاد بازدیدکنندگان -از جمله گردشگری-، اقتصادهای ورزشی، به ویژه اقتصاد سیاسی رویدادهای بزرگ ورزشی، حاکمیت تجارت جهانی، تجزیه و تحلیل اقتصادی و تجاری، و اقتصادهای سبز است. خانم لی با تاجران و سیاست‌گذاران در شهرها، مناطق و دولت بریتانیا و سازمان‌های بین‌المللی همکاری می‌کند. او سردبیر مجموعه مطالعات دیپلماسی و روابط بین‌الملل انتشارات پالگریو و عضو هیئت تحریریه مجله سیاست تجارت بین‌الملل است.

مطالعه این اثر برای استادان، پژوهشگران و دست‌اندرکاران سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی و مدیریت ورزشی و مدیریت گردشگری کشور بسیار ضروری است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با شکسته شدن تحریم‌های خارجی و عبور از محدودیت‌های داخلی، جایگاه جهانی خود را در عرصه ورزش و گردشگری باز پس بگیرد و از این طریق بر قدرت نرم خود بسیار بیفزاید.

حسام‌الدین آشنا

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

منابع

- اندرسون، جیمز (۱۳۸۵)، ترجمه کیومرث اشتریان، «مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی»، فرهنگ اندیشه، ۵ (۱۸)، صص ۹-۴۴.
- جلالی فراهانی، مجید و علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۱)، مدیریت رویدادها و اردوهای ورزشی، تهران: دانشگاه تهران.
- European Commission, D. G. f. (2018). Sport diplomacy: identifying good practices: a final report to the European Commission. EU.
- Getz, D. (2013). Event Studies Theory, Research and Policy for planned events. Hoboken: Taylor and Francis.
- Gilboa, E. (2008). Searching for a theory of public diplomacy. The Annals of the American Academy of Political and Social Science, pp. 55-77.
- Grix, J. H. (2014, November). Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012). The British Journal of Politics & International Relation, pp. 1-25.
- Trunkos, J. &. (2017). Sport Diplomacy: A Review of How Sports Can be Used to Improve International Relations. In C. E. others, Case Studies in sport diplomacy (pp. 1-18).

پیشگفتار



مطالعه ابرویدادهای ورزشی، میراث‌های آن‌ها و نیز تأثیرات متصور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ترشان، روبه‌فزونی است. با این حال، حوزه نظری آن‌ها به نسبت محدود و جزئی بوده و تنها در میان تعدادی از رشته‌های دانشگاهی - از مطالعات شهری و جامعه‌شناسی گرفته تا مطالعات اوقات فراغت^۱ و مدیریت رویداد - گسترش یافته است. خرسندیم که توانستیم از دیدگاه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، رشته‌هایی که در تحلیل مفهوم ابرویدادهای ورزشی کم‌فعالیت بوده‌اند، با آثار و پژوهش‌های این حوزه هم‌بخشی داشته باشیم.

مؤلفان این اثر، پیش از این به عنوان همکار در دانشگاه بیرمنگام^۲ با همدیگر مشغول به فعالیت بوده‌اند و اکنون در دانشکده‌ای مشابه (اقتصاد، سیاست و تجارت بین‌الملل) در دانشگاه منچستر متروپولیتن^۳، دوباره به هم پیوسته‌اند.

گروه پشتیبان مؤلفان این کتاب شایسته سپاسگزاری‌های ویژه‌اند. ما یلیم از آدام باربر برای پژوهش‌های فوق‌العاده‌اش پیرامون داده‌های اجتماعی-اقتصادی مورد پژوهی‌ها تشکر کنیم. همچنین از شوشو چن، کلودیو روچه، نینا کراماورا و

1. leisure studies
2. University of Birmingham
3. Manchester Metropolitan University

تام بیسون برای بازخوانی پیش نویس های مورد پژوهی کشورها و لوییس گریکس برای پیشینه پژوهشی اش در همین موضوع سپاسگزاریم. از جاشووا پیت، سردبیر ارشد انتشارات پالگریو مک میلان^۱، نیز به خاطر بردباری و پشتیبانی اش سپاس ویژه داریم.

منچستر، بریتانیا
جاناتان گریکس^۲
پل مایکل برانگن^۳
دانا لی^۴

فصل ۱:

دیباچه



چکیده: در زمانه‌ای که نظم جهانی به طور ملموسی در حال تغییر است، اثر پژوهشی پیش رو به استفاده کشورها از ابرویدادهای ورزشی در راهبردهای قدرت نرم خود، می‌پردازد. تمرکز این اثر بر کشورهای بالنده^۱ است که تکمیل‌کننده مطالعات پرشماری است که درباره کشورهای سرمایه‌دار پیشرفته انجام شده است. در این فصل به دلیل اصلی درخواست میزبانی و میزبانی ابرویدادهای ورزشی و این که چگونه این کتاب با چنین بحث‌هایی مشارکت می‌کند، می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: قدرت نرم • کشورهای بالنده • ابرویدادهای ورزشی و میراث‌ها.

بحث درباره «قدرت نرم»^۱ و ابررویدادهای ورزشی که در ادامه می‌آید، در پس‌زمینه نگرانی‌های پیرامون فروپاشی احتمالی یا دگرگونی بنیادین نظم جهانی انجام می‌شود. برآمدن مهارنشده‌ی چین، سیاست‌های حمایت‌گرایانه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در آمریکا^۲ و پدیدارشدن «اخبار جعلی»^۳، تنها بخشی از عواملی‌اند که پنداشته می‌شود در بروز آشفتگی‌های کنونی نقش داشته باشند (ماگه^۴، ۲۰۱۸). به‌طور مشابه، نهادهای اصلی درگیر در ایجاد نظم نسبتاً پایدار جهانی - سازمان ملل^۵، سازمان تجارت جهانی^۶ و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۷ - همگی در این دوره جدید تحت فشار قرار گرفته‌اند. درحالی‌که سیاست‌های پوپولیستی در سطح جهانی - برای مثال در ایتالیا، مجارستان، لهستان، برزیل و فیلیپین - در حال گسترش‌اند، توافق گسترده‌ای وجود دارد که دولت‌ها به‌طور فزاینده به دنبال راه‌هایی برای دستیابی به «قدرت نرم» جهت مذاکره درباره جایگاه خود در صحنه بین‌المللی‌اند. بنابر گفته جوزف نای^۸ (۱۹۹۰: ۱۶۷) - مبدع اصطلاح قدرت نرم - ماهیت دگرگون‌شده روابط بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد و مخاطره ناشی از استقرار پایگاه‌های نظامی سنتی («قدرت سخت») منجر به این شده است که «منابع قدرت ناملموس مانند فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها» در روابط بین‌الملل از اهمیت بیشتری برخوردار شوند. به تدریج، کشورهای بیشتری ورزش را به راهبردهای قدرت نرم خود در قالب موفقیت‌نخبگان ورزشی تحت حمایت دولت (بریتانیا، استرالیا، چین و روسیه) یا در قالب میزبانی ابررویدادهای ورزشی (ایالات متحده آمریکا، چین، ژاپن، کره جنوبی و روسیه) افزودند. این همان نقطه آغاز پژوهش حاضر است. آنچه پیش روی شماست،

1. soft power

۲. در زمان انتشار نسخه اصلی کتاب در سال ۲۰۱۹، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا بود (مترجم).

3. fake news

4. Muggah

5. United Nations

6. World Trade Organization

7. North Atlantic Treaty Organization

8. Joseph Nye

نخستین تلاش برای تحلیل پایدار و مفهوم‌پردازی نقش ابرویدادهای ورزشی در راهبردهای قدرت نرم کشورهای بالنده است (برای آگاهی بیشتر از اصطلاح کشور «بالنده» و پیدایش کشورهای «بریکس»، به فصل ۲ مراجعه کنید). این اثر، حاصل سال‌ها اندیشه‌ورزی درباره سیاست‌های ابرویدادهای ورزشی، به‌کارگیری آن‌ها توسط دولت‌ها، دلیل اصلی درخواست و میزبانی این ابرویدادها و تأثیری است که چنین رویدادهایی بر کشورهای میزبان و وضعیتشان در سیاست‌های بین‌المللی دارند. کار ما مبتنی بر کار دیگر دانشگاهیان و موردپژوهی‌های دیگری است که تعداد زیادی از آن‌ها موجود است. تنها درزمینه بازی‌های المپیک، برخی از مهم‌ترین مطالعات مربوط به رویدادها و میراث‌های آن‌ها عبارت‌اند از: میزبانی بازی‌های سال ۲۰۰۰ در سیدنی (فاکتر^۱ و همکاران، ۲۰۰۰؛ استوارت^۲ و همکاران، ۲۰۰۴؛ کشمن^۳، ۲۰۰۶؛ لانسکاج^۴، ۲۰۱۲؛ ویل^۵ و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بازی‌های پرمشکل سال ۲۰۰۴ در آتن (زیرالیس^۶ و همکاران، ۲۰۰۶؛ هید^۷، ۲۰۰۵؛ بوکاس^۸ و همکاران، ۲۰۱۳)؛ بازی‌های «کمونیستی-مصرف‌گرایانه» سال ۲۰۰۸ در پکن (شو^۹، ۲۰۰۶؛ جینشیا^{۱۰} و منگن^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ منزنرایتر^{۱۲}، ۲۰۱۰؛ جانگ^{۱۳} و جانو^{۱۴}، ۲۰۰۹؛ پرویس^{۱۵} و آلفس^{۱۶}، ۲۰۱۱؛ جولیانوتی^{۱۷}، ۲۰۱۵)؛ بازی‌های ۲۰۱۲ لندن (گیرگینوف^{۱۸} و هیلز^{۱۹}، ۲۰۰۸؛

1. Faulkner
2. Stewart
3. Cashman
4. Lenskyj
5. Veal
6. Tziralis
7. Hede
8. Boukas
9. Xu
10. Jinxia
11. Mangan
12. Manzenreiter
13. Zhang
14. Zhao
15. Preuss
16. Alfs
17. Giulianotti
18. Girginov
19. Hills

گیرگینوف، ۲۰۱۱؛ بلویس^۱ و لاولت^۲، ۲۰۱۲؛ گرین^۳، ۲۰۱۲؛ وید^۴ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وید، ۲۰۱۴؛ دوین^۵، ۲۰۱۳؛ بازی‌های نمایشی المپیک زمستانی ۲۰۱۴ در سوچی (آلکسیوا^۶، ۲۰۱۴؛ اُرتانگ^۷ و زموکهوف^۸، ۲۰۱۴؛ گریکس و کراماروا^۹، ۲۰۱۷؛ مولر^{۱۰}، ۲۰۱۵؛ گولوبچیکوف^{۱۱}، ۲۰۱۷)؛ و سازماندهی ریو برای بازی‌های ۲۰۱۶ (آلمیدا^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴؛ اُزاریو^{۱۳} و ورسیانی^{۱۴}، ۲۰۱۴؛ روشا^{۱۵}، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷؛ بیزارو^{۱۶} و همکاران، ۲۰۱۶).

این فهرست فاصله بسیاری با یک فهرست جامع دارد، اما به روشنی بیانگر غنای پژوهش‌های انجام‌شده توسط متخصصانی است که در حوزه‌ای وسیع از رشته‌های گوناگون پیرامون این موضوع مشغول به فعالیت‌اند. ما بر این باوریم که هنوز در زمینه پژوهش دانشگاهی پیرامون این حوزه توسط افرادی که پنداشته می‌شود باید جلودار تحلیل‌های مربوط به سیاست‌های ورزشی باشند، دانشمندان علوم سیاسی و پژوهشگران روابط بین‌الملل، کاستی وجود دارد. عمده کارهایی که بر نقش سیاسی ابرویدادهای ورزشی تمرکز دارند، توسط جامعه‌شناسان، تاریخ‌دانان، کارشناسان مدیریت و گردشگری، جغرافی‌دانان، متخصصان مطالعات شهری و افرادی انجام می‌شود که به طور کلی به عنوان پژوهشگران «مطالعات ورزشی» شناخته می‌شوند. تلاش ما بر این است که این کاستی را از طریق تحلیلی جبران کنیم که ترکیبی از روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و نیز منعکس‌کننده سوابق و علایق

1. Bloyce
2. Lovett
3. Green
4. Weed
5. Devine
6. Alekseyeva
7. Orttung
8. Zhemukhov
9. Kramareva
10. Müller
11. Golubchikov
12. Almeida
13. Osorio
14. Versiani
15. Rocha
16. Bizarro

دانشگاهی مؤلفان است.

این کتاب آثاری را که کشورهای سرمایه‌دار پیشرفته به انجام رسانده‌اند، تکمیل می‌کند. ما علاقه‌مندیم بفهمیم که آیا تفاوتی میان راهبردهای قدرت نرمی که «ابرقدرت‌ها»، «قدرت‌های میان‌رده» و «کشورهای بالنده» به کار می‌برند، وجود دارد یا خیر؟ تمرکز صرف بر کشورهای غیرغربی نیز به نوعی با این بحث که بخش عمده پژوهش‌های حوزه ابررویدادهای ورزشی با سوگیری غربی انجام می‌شوند، مقابله می‌کند. بنابراین، پنج نمونه مطالعه از کشورهای بالنده ارائه کرده‌ایم که چهار نمونه از آن‌ها به کشورهای به اصطلاح بریکس^۱ (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تعلق دارند. هند در پژوهش ما جایی ندارد، زیرا تاکنون میزبان یک ابررویداد ورزشی «سطح اول» نبوده است (بلک^۲، ۲۰۰۸) (برای مشاهده شرحی از دسته‌بندی‌های ابررویدادهای ورزشی به فصل ۳ مراجعه کنید)؛ درحالی‌که دیگر کشورهای بریکس چنین سطحی از ابررویداد ورزشی را میزبانی کرده‌اند: برزیل (جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ و المپیک و پارالمپیک تابستانی ۲۰۱۶)، روسیه (المپیک زمستانی ۲۰۱۴ و جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸)، چین (المپیک و پارالمپیک تابستانی ۲۰۰۸ و المپیک زمستانی ۲۰۲۲) و آفریقای جنوبی (جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰). پنجمین نمونه مطالعه ما، قطر، از این نظر که ثروت سرانه‌اش بسیار بیشتر از دیگر کشورهای بالنده است، اندکی متفاوت است و به زودی یک ابررویداد ورزشی سطح اول (جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲) را میزبان خواهد بود. دلیل بررسی قطر این است که ورزش، نقش آشکار و مهمی در تلاش این کشور برای مطرح‌شدن در سطح بین‌المللی و پایداری اقتصادی در بلندمدت، ایفا می‌کند.

فصل‌های مربوط به موردپژوهی‌ها به دلایل متعددی از چیدمان مشابهی پیروی می‌کنند؛ نخست این که چنین مشابهتی بر انسجام متن می‌افزاید؛ دوم، این کار مقایسه نمونه‌ها را آسان‌تر می‌کند؛ و سرانجام این که امکان مقایسه با کشورهای دیگری را فراهم می‌سازد که خواستار میزبانی ابررویدادهای ورزشی بوده

1. BRICS (Brazil, Russia, India, China and South Africa)

2. Black

یا این ابرویدادها را میزبانی می‌کنند. هر نمونه مطالعه با یک چکیده آغاز می‌شود که محتواهای فصل را به طور خلاصه بیان می‌کند. پس از آن، قسمت کوتاهی ارائه شده است که ویژگی‌های خاص کشور مورد مطالعه و کارکرد آن‌ها را در ابرویدادهای ورزشی به طور کلی شرح می‌دهد. به دنبال این بخش، داده‌های اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نمونه مورد مطالعه آمده است که مبنای مناسبی را برای مقایسه نمونه‌ها با یکدیگر و نیز مقایسه با دیگر کشورهای داوطلب میزبانی ابرویدادهای ورزشی فراهم می‌کند. همچنین توجه به داده‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی مهم برای زمینه‌یابی نمونه‌ها در میان دیگر کشورها ضروری است (قطر ۲/۷ میلیون شهروند دارد، درحالی‌که قطری‌ها تنها حدود ۱۵ درصد از این عدد را تشکیل می‌دهند؛ اما جمعیت چین به عدد خیره‌کننده ۱/۴ میلیارد نفر می‌رسد) (جهان‌نمای سیا^۱، ۲۰۱۸). قسمت سوم هر فصل به بیان تاریخیچه‌ای مختصر از ورزش در آن کشور و معنا و کاربرد سیاسی آن می‌پردازد. همچنین فهرستی از موارد کلیدی درخواست‌ها و میزبانی‌های کشورهای مورد مطالعه برای ابرویدادهای ورزشی آورده شده است. قسمت چهارم، نمونه مورد مطالعه و رویداد یا رویدادهای مهمی را تحلیل می‌کند که این کشورها میزبانان بوده‌اند و نیز به تحلیل راهبردهایی می‌پردازد که برای بهره‌مندی بیشینه از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی رویداد، ایجاد شده‌اند. ما این کار را با عملیاتی کردن نمونه‌ای آرمانی^۲ از کسب قدرت نرم انجام داده‌ایم که توسط گریکس و برانگن (۲۰۱۶) تدوین شده است. بدین وسیله، این نمونه آرمانی - که با جزئیات بیشتری در فصل ۳ درباره آن بحث شده است - به عنوان یک اصل سازمان‌دهنده جامع برای این کتاب عمل می‌کند. پنج بُعد کسب قدرت نرم، در قالب این عناوین گسترده و دارای هم‌پوشانی مطرح شده‌اند: فرهنگ، گردشگری^۳، برندسازی^۴، دیپلماسی و تجارت^۵. هرکدام از نمونه‌های مورد

1. CIA World Factbook
 2. ideal type
 3. tourism
 4. branding
 5. trade

مطالعه با قسمتی تحت عنوان «ملاحظات نهایی» به سرانجام می‌رسد که مسائل مختص به نمونه مورد مطالعه را برجسته کرده یا خواننده را به سوی آموزه‌های خاصی از آن نمونه سوق می‌دهد.

یکی از اهداف این کتاب، افزودن بر یافته‌های تجربی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان از این نمونه آرمانی «ایستا» برای ارزیابی راهبردهای قدرت نرم کشورها - که از ورزش بهره می‌برند یا نه - استفاده کرد. این امر مهم است، زیرا مفهوم پردازی‌ای که ارائه می‌شود تنها برای میزبانان ابرویدادهای ورزشی نیست؛ ما از ورزش به عنوان نقطه تمرکز پژوهش در این کتاب استفاده می‌کنیم، زیرا کشورها، رویدادهای ورزشی در مقیاس بزرگ را به روشنی به عنوان بخشی ضروری از بسته قدرت نرم خود و نیز لازمه رشد اعتبار بین‌المللی خود می‌نگرند. این مطلب با این واقعیت اثبات می‌شود که تمامی به اصطلاح کشورهای ابرقدرت و نیز همه کشورهای بریکس، در قرن بیست و یک میزبان یک رویداد ورزشی برجسته بوده‌اند. با این حال، در مدل به دست آمده خود باید از نمونه‌های غیرورزشی کشورهایی که به دنبال دستیابی به قدرت نرم‌اند نیز استفاده کنیم. در فصل نتیجه‌گیری، بر اساس نتایج پژوهش‌ها در این کتاب، نسخه‌ای اقتباسی از این نمونه آرمانی برای استفاده در پژوهش‌های آینده ارائه داده‌ایم. این اثر، نخستین تلاش برای ایجاد مدلی از قدرت نرم است که می‌تواند در انواع رژیم‌ها و دولت‌ها در سطوح مختلف توسعه به کار رود. البته این بدین معنی نیست که تمامی انواع رژیم‌ها راهبرد قدرت نرم یکسانی را اتخاذ کنند بلکه این مدل می‌تواند در ارزیابی نوع راهبردی که یک کشور به دنبال آن است، یاری‌دهنده باشد. ما می‌پذیریم که این مدل، مرحله‌ای ابتدایی از نظریه پردازی است؛ در واقع، این نمونه آرمانی برای پی‌بردن به الگوهای خاص، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان کشورهای مورد مطالعه طراحی شده است. ایده نهایی‌ای که ما ارائه می‌دهیم این است که تمامی کشورها - با درجات مختلف - راهبردهای «دوگانه» قدرت نرم را برای هدف قراردادن مخاطبان و تأثیرات در دو سطح

داخلی و بین‌المللی در پیش می‌گیرند (نک. گریکس و گریکس، ۲۰۱۹). فرض ما بر این است که بهترین نمونه‌های چنین کشورهایی، کشورهای اقتدارگرا هستند که به دلیل فقدان پاسخگویی مطابق با قانون اساسی، نیاز دارند تا مشروعیت سیاسی داخلی خود را به شیوه‌های مختلف تقویت کنند. به طور کلی، آن چه مدل ما نشان می‌دهد، تلاشی برای ایجاد دانشی فزاینده از ابررویدادهای ورزشی به عنوان بخشی از راهبرد قدرت نرم یک کشور است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که این مدل یک «قالب شیرینی پزی» نیست که قابل حک شدن بر هر نمونه مورد مطالعه جدیدی باشد. به بیان دقیق‌تر، امیدواریم که بتوانیم از طریق یک فرایند تکرارشونده بین داده‌های جدید و دسته‌بندی‌های موجود، به سوی گسترش فهمی پایدارتر از قدرت نرم و ورزش پیش برویم.

منابع

- Alekseyeva, A. (2014). Sochi 2014 and the Rhetoric of a New Russia: Image Construction Through Mega-events. *East European Politics*, 30(2), 158–174.
- Almeida, B. S. D., Marchi Júnior, W., & Pike, E. (2014). The 2016 Olympic and Paralympic Games and Brazil's Soft Power. *Contemporary Social Science*, 9(2), 271–283.
- Bizarro, V. R., Lucchese, T. A., Breis, A. M., Rucker, K., Fernandes, M. S. A., Paletti, M. T., & Arbex, A. K. (2016). Health, Physical Activity and the Rio de Janeiro 2016 Olympic Games: Legacy or Fallacy? *Health*, 8(01), 9.
- Black, D. (2008). Dreaming Big: The Pursuit of 'Second Order' Games as a Strategic Response to Globalization. *Sport in Society*, 11(4), 467–480.
- Bloyce, D., & Lovett, E. (2012). Planning for the London 2012 Olympic and Paralympic Legacy: A Figurational Analysis. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 4(3), 361–377.
- Boukas, N., Ziakas, V., & Boustras, G. (2013). Olympic Legacy and Cultural Tourism: Exploring the Facets of Athens' Olympic Heritage. *International Journal of Heritage Studies*, 19(2), 203–228.
- Cashman, R. (2006). *The Bitter-sweet Awakening: The Legacy of the Sydney 2000 Olympic Games*. Sydney: Walla Walla Press.
- CIA World Factbook. (2018). China [online]. Retrieved from April 24, 2018, from <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/sf.html>.
- Devine, C. (2013). London 2012 Olympic Legacy: A Big Sporting Society? *International Journal of Sport Policy and Politics*, 5(2), 257–279.
- Faulkner, B., Chalip, L., Brown, G., Jago, L., March, R., & Woodside, A. (2000). Monitoring the Tourism Impacts of the Sydney 2000 Olympics. *Event Management*, 6(4), 231–246.
- Girginov, V. (2011). Governance of London 2012 Olympic Games Legacy. *International Review for the Sociology of Sport*, 47(5), 543–558.
- Girginov, V., & Hills, L. (2008). A Sustainable Sports Legacy: Creating a Link Between the London Olympics and Sports Participation. *The International Journal of the History of Sport*, 25(14), 2091–2116.
- Giulianotti, R. (2015). *Sport: A Critical Sociology* (2nd ed.). Cambridge: Polity Press.
- Golubchikov, O. (2017). From a Sports Mega-event to a Regional Mega-project: The Sochi Winter Olympics and the Return of Geography in State Development Priorities. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(2), 237–255.
- Green, K. (2012). London 2012 and Sports Participation: The Myths of Legacy. *Significance*, 9(3), 13–16.
- Grix, J., & Brannagan, P. M. (2016). Of Mechanisms and Myths: Conceptualising States' "Soft Power" Strategies Through Sports Mega-events. *Diplomacy & Statecraft*, 27(2), 251–272.
- Grix, J., & Grix, L. (2019). Exploring Differences in Unconventional Diplomacy Through Sports Mega-Events and the Acquisition of Soft Power. *Brown Journal of World Affairs*, forthcoming.

- Grix, J., & Kramareva, N. (2017). The Sochi Winter Olympics and Russia's Unique Soft Power Strategy. *Sport in Society*, 20(4), 461–475.
- Hede, A. M. (2005). Sports-events, Tourism and Destination Marketing Strategies: An Australian Case Study of Athens 2004 and Its Media Telecast. *Journal of Sport Tourism*, 10(03), 187–200.
- Jinxia, D., & Mangan, J. A. (2008). Beijing Olympics Legacies: Certain Intentions and Certain and Uncertain Outcomes. *The International Journal of the History of Sport*, 25(14), 2019–2040.
- Lenskyj, H. J. (2012). *Best Olympics Ever? The Social Impacts of Sydney 2000*. Albany: SUNY Press.
- Manzenreiter, W. (2010). The Beijing Games in the Western Imagination of China: The Weak Power of Soft Power. *Journal of Sport & Social Issues*, 34(1), 29–48.
- Muggah, R. (2018, April 10). *The Global Liberal Order Is in Trouble – Can It Be Salvaged, or Will It Be Replaced?* Retrieved October 19, 2018, from <https://www.weforum.org/focus/the-future-of-global-liberal-order>.
- Müller, M. (2015). What Makes an Event a Mega-event? Definitions and Sizes. *Leisure Studies*, 34(6), 627–642.
- Nye, J. S. (1990). Soft Power. *Foreign Policy*, 80, 153–171.
- Ortung, R. W., & Zhemukhov, S. (2014). The 2014 Sochi Olympic Mega-project and Russia's Political Economy. *East European Politics*, 30(2), 175–191.
- Osorio, M., & Versiani, M. H. (2014). Rio de Janeiro and the 2016 Olympics—A Lasting Legacy? *International Journal of Urban Sustainable Development*, 6(2), 254–258.
- Preuss, H., & Alfs, C. (2011). Signalling Through the 2008 Beijing Olympics—Using Mega Sport Events to Change the Perception and Image of the Host. *European Sport Management Quarterly*, 11(1), 55–71.
- Rocha, C. M. (2015). Support of Politicians for the 2016 Olympic Games in Rio de Janeiro. *Leisure Studies*, 34, 1–18.
- Rocha, C. M. (2017). Rio 2016 Olympic Games and Diplomatic Legacies. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(2), 277–294.
- Stewart, B., Nicholson, M., Smith, A., & Westerbeek, H. (2004). *Australian Sport – Better by Design?: The Evolution of Australian Sport Policy*. London: Routledge.
- Tziralis, G., Tolis, A., Tatsiopoulou, I., & Aravossis, K. (2006). Economic Aspects and Sustainability Impact of the Athens 2004 Olympic Games. *Environmental Economics and Investment Assessment*, 98, 21–33.
- Veal, A. J., Toohey, K., & Frawley, S. (2012). The Sport Participation Legacy of the Sydney 2000 Olympic Games and Other International Sporting Events Hosted in Australia. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 4(2), 155–184.
- Weed, M. (2014). Is Tourism a Legitimate Legacy from the Olympic and Paralympic Games? An Analysis of London 2012 Legacy Strategy Using Programme Theory. *Journal of Sport & Tourism*, 19(2), 101–126.
- Weed, M., Coren, E., Fiore, J., Wellard, I., Mansfield, L.,

- Chatziefstathiou, D., & Dowse, S. (2012). Developing a Physical Activity Legacy from the London 2012 Olympic and Paralympic Games: A Policy-led Systematic Review. *Perspectives in Public Health, 132*(2), 75–80.
- Xu, X. (2006). Modernizing China in the Olympic Spotlight: China's National Identity and the 2008 Beijing Olympiad. *The Sociological Review, 54*(2), 90–107.
- Zhang, L., & Zhao, S. X. (2009). City Branding and the Olympic Effect: A Case Study of Beijing. *Cities, 26*(5), 245–254.

فصل ۲:

کشورهای بالنده و موازنه در حال تغییر قدرت جهانی



چکیده: دستاوردهای اقتصادی کشورهای بریکس - برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی - قدرت اقتصادی را از مرکزیت غرب تغییر داده و به توسعه اقتصاد بین‌المللی غیرمتمرکز و مدل‌های جایگزین توسعه اقتصادی بین‌المللی منجر شده است. در این فصل تأکید می‌شود که ظهور مراکز قدرت اقتصادی جدید و نیز موازنه در حال تغییر قدرت، نگرانی‌ها را درباره وقوع یک بازی مرگ و زندگی احتمالی در نظم بین‌المللی کنونی برانگیخته است. این فصل به واکاوی این نگرانی‌ها پرداخته و میزان ابتدای چنین نگرانی‌هایی را بر فرضیه‌های موجود پیرامون وحدت بریکس و پایداری موفقیت اقتصادی مداوم این کشورها تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: قدرت‌های بالنده • بریکس • رشد اقتصادی • نظم بین‌المللی لیبرال • ایالات متحده.

این فصل با بررسی پیدایش کشورهای بالنده و موازنه‌های در حال تغییر قدرت اقتصادی در نظام بین‌المللی، به عنوان زمینه‌ای برای پنج فصل مبتنی بر مطالعات تجربی این کتاب عمل می‌کند. یکی از ویژگی‌های کلیدی نظام بین‌الملل در قرن بیست و یک، تمرکززدایی ثروت و قدرت از کشورهای توسعه یافته بزرگ همچون ایالات متحده، ژاپن و کشورهای اروپایی و توزیع آن در کشورهای به سرعت در حال توسعه در آفریقا، آسیا، خاورمیانه و آمریکای جنوبی است. ما توجه خود را بر قدرت‌های به اصطلاح بالنده‌ای معطوف می‌کنیم که در نمونه‌های مورد مطالعه موجود در این کتاب، آن‌ها را به تفصیل بررسی و تحلیل کرده‌ایم؛ چین، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی که به همراه هند اتحادیه بریکس را تشکیل می‌دهند. پدیدارشدن اتحادیه بریکس از کشورهای به سرعت در حال توسعه و رسمیت یافتن این اتحادیه در نشست‌های سالانه و مؤسسات مالی، از به وجود آمدن یک تغییر بزرگ قدرت در اقتصاد جهانی خبر می‌دهد. این مسئله گواهی است بر افول نسبی مفهوم «پاکس آمریکانا» که از زمان پایان جنگ جهانی دوم و توسعه یک اقتصاد جهانی تک‌گرا^۱ تر، بر اقتصاد جهانی چیره شده است. یکی از نکات قابل توجه این است که اگر تغییرات منابع مادی قدرت با رشد ظرفیت‌های قدرت نرم و نیز رشد اعتبار همراه باشند، این تغییرات ساختاری در نظام جهانی به احتمال زیاد بلندمدت خواهند بود. اگر به خاطر فرصت‌های به وجود آمده در قدرت نرم و موفقیت و پیشرفت بالقوه در اعتبار بین‌المللی نبود، درک این مسئله دشوار به نظر می‌رسید که چرا برزیل، روسیه، چین، آفریقای جنوبی و نیز قطر (کشور کوچکی که در این کتاب به آن توجه شده است) حاضرند با هزینه‌های بالای ابرویدادهای ورزشی خود را به مخاطره بیفکنند. نمونه‌های منتخب مورد مطالعه، مثال‌های جالبی ارائه می‌دهد از این که چگونه کشورها با تکیه بر موفقیت‌های اقتصادی‌شان، از جذابیت جهانی ورزش بهره

۱. Pax Americana: به معنای صلح نسبی در نیم‌کره غربی و بعدتر در جهان، در نتیجه برتری قدرت ایالات متحده آمریکا که از میانه قرن بیستم شروع شده و تاکنون ادامه دارد (مترجم).

2. pluralist

می‌گیرند تا ظرفیت‌های قدرت و اعتبارشان را در نظام بین‌الملل افزایش دهند.

پیشرفت اقتصادی قدرت‌های بالنده

حدود دو دهه پیش جیم آنیل^۱، اقتصاددان ارشد وقت شرکت گلدمن ساکس^۲، پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۴۱ میلادی، آنچه او کشورهای بریکس-برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی-نام‌گذاری کرد، بر اقتصادهای بزرگ غربی پیشی خواهند گرفت تا به منبع اصلی و کانون جدید اقتصاد جهانی قرن بیست و یک تبدیل شوند (تت^۳، ۲۰۱۰). مخالفت با این پیش‌بینی‌ها در آن زمان -و حتی شاید اکنون- دشوار بود. به تعبیر وینترز^۴ و یوسف^۵ (۲۰۰۷)، کشورهای بریکس «با غول‌ها می‌رقصند». این کشورها از موهبت‌های توانمندساز اقتصادی برخوردارند: جمعیت زیاد، وسعت سرزمینی و دربارہ برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی، ذخایر عظیم منابع طبیعی و کالاهای خام مانند نفت، گاز، دانه‌های سویا و مواد معدنی که اقتصاد در حال رشد جهانی، اشتباهات سیری ناپذیری برای آن‌ها دارد. این قدرت‌های نوظهور، از جهانی‌سازی و به‌طور ویژه رونق تجارت بین‌المللی -به خصوص تجارت جنوبی- جنوبی^۶ - و رشد زنجیره‌های عرضه جهانی که از طریق گسترش حاکمیت تجارت آزاد با ایجاد سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۵ میلادی تسهیل شده است، نهایت بهره را برده‌اند. موفقیت آن‌ها در بهره‌برداری از فرصت‌های منابع داخلی خودشان در زمینه جهانی‌سازی در حال رشد اقتصادی موجب شد مجموع سهم آن‌ها از تولید ناخالص داخلی^۷ (GDP) در سطح جهانی از ۱۱ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۰ درصد

1. Jim O'Neill
2. Goldman Sachs
3. Tett
4. Winters
5. Yusuf

۶. تجارت بین اقتصادهای در حال توسعه، از جمله اقتصادهای اروپای شرقی و آسیایی که در حال گذار از نظام‌های کمونیستی متمرکز به اقتصادهای بازاری اند (مترجم).

۷. کل ارزش پولی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم هر کشور در دوره زمانی معین (مترجم).